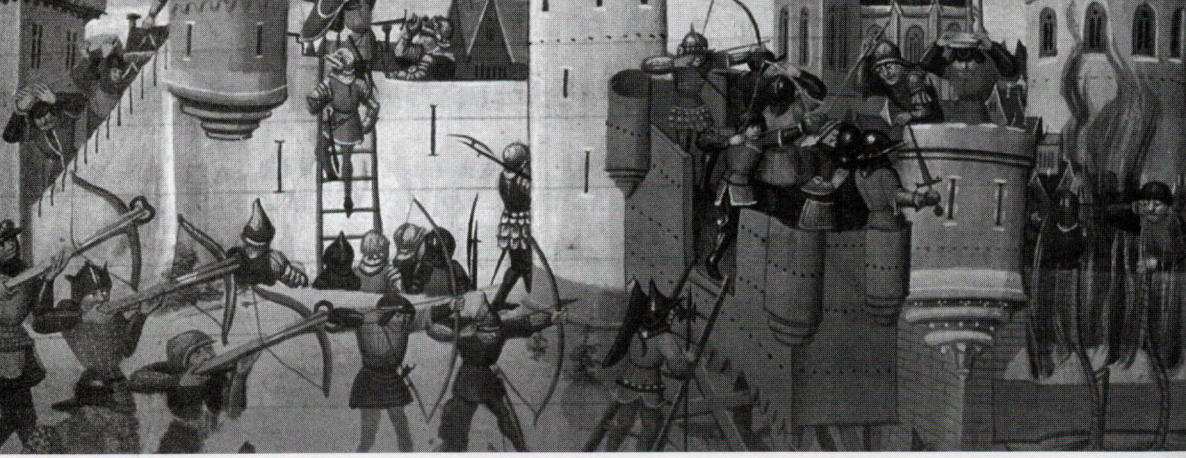


جنگ‌هایی که دنیا را تغییر دادند

چارلز مسنجر

ترجمهٔ منوچهر پزشکی





فهرست

- پیشگفتار..... ۷
- جنگ بزرگ پلویونزی (۴۰۴-۴۳۱ ق.م)..... ۱۱
- پیروزی‌های اسکندر (۳۳۶-۳۲۳ ق.م)..... ۲۳
- جنگ داخلی روم (۳۳-۳۰ ق.م)..... ۳۴
- مبارزه شارل مارتل با مورها (۷۳۱-۷۳۹ م)..... ۴۶
- جنگ صلیبی هفتم (۱۲۴۸-۱۲۵۴ م)..... ۵۷
- سرنگونی مغول در چین به دست دولت مینگ (۱۳۵۱-۱۳۸۸ م)..... ۶۹
- قسطنطنیه (۱۴۵۳ م)..... ۷۹
- فتح مکزیک به دست اسپانیا (۱۵۱۹-۱۵۳۹ م)..... ۸۹
- فتح هندوستان به دست بابر (۱۵۲۵-۱۵۲۹ م)..... ۹۹
- جنگ‌های داخلی ژاپن (۱۵۶۰-۱۵۹۰ م)..... ۱۰۸
- جنگ سی‌ساله (۱۶۱۸-۱۶۴۸ م)..... ۱۲۰
- جنگ هفت‌ساله (۱۷۵۶-۱۷۶۳ م)..... ۱۳۲
- جنگ استقلال آمریکا (۱۷۷۵-۱۷۸۳ م)..... ۱۴۴
- انقلاب و نبردهای ناپلئون (۱۷۹۲-۱۸۱۵ م)..... ۱۵۷
- مبارزه آزادیخواهانه بولیوار و سان مارتین (۱۸۱۳-۱۸۲۵ م)..... ۱۷۰

جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۱-۱۸۶۵ م)	۱۸۲
جنگ فرانسه - پروس (۱۸۷۰-۱۸۷۱ م)	۱۹۴
جنگ روسیه - ژاپن (۱۹۰۴-۱۹۰۵ م)	۲۰۵
جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م)	۲۱۶
جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م)	۲۳۱
جنگ داخلی چین (۱۹۴۵-۱۹۴۹ م)	۲۴۵
جنگ سرد (۱۹۴۸-۱۹۸۹ م)	۲۵۵
ویتنام (۱۹۴۶-۱۹۷۵ م)	۲۶۷
جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷ م)	۲۷۸
جنگ با تروریسم (۲۰۰۱-؟)	۲۹۰
نمایه	۳۰۱

پیشگفتار

از آغاز تاریخ، جنگ اشتغال دائمی بشر بوده و این سخنی کاملاً معقول است که در هیچ لحظه از زمان جهان یکپارچه در صلح به سر نبرده است. همه جنگ‌ها تاریخ را تغییر می‌دهند و این مجموعه که برگزیده ۲۵ نبرد رخ داده از سده پنجم پیش از میلاد تا زمان حاضر را در بر دارد، گویای این حقیقت است.

نخستین نبرد این مجموعه یعنی جنگ بزرگ پلویونزی از این جهت اهمیت دارد که سقوط آتن مقتدرترین دولت‌شهر یونان باستان را رقم زد. پیروزی‌های اسکندر مقدونی امپراتوری کوتاه‌مدتی ایجاد کرد، اما آن پیروزی‌ها برای این مهم شمرده می‌شوند که اروپاییان برای نخستین بار بر آسیا دست یافتند. نبرد نهایی جهان باستان جنگی داخلی است که جمهوری روم را به امپراتوری تبدیل کرد.

پدیده بزرگ روزگاری که اروپا در سده‌های تاریک خود فرو می‌رفت، ظهور رؤیاگونه دین اسلام در خاورمیانه بود؛ در مدت‌زمانی کوتاه، اسلام شمال آفریقا را درنوردیده، در اسپانیا نفوذ کرده و با گذشتن از کوه‌های پیرنه به سوی فرانسه گام برمی‌داشت. ایستادگی شارل مارتل در برابر مغربیان مسلمان^۱ سرحد نهایی اسلام و اروپا را مشخص می‌کند، هرچند مسیحیت بار دیگر در سده‌های میانه با اسلام رویارو شد. جنگ‌های صلیبی تأثیری بزرگ بر تاریخ اروپای سده یازدهم تا چهاردهم میلادی گذاشت. من به‌ویژه بر جنگ

۱. Moors: آمیخته‌ای از مردم مغرب (مراکش) و دیگر قوم‌های مسلمان‌شده شمال آفریقا (بربرها). - م.

صلیبی هفتم تأکید کرده‌ام، چرا که پس از آن بود که صلیبیان دریافتند برای بازپس‌گیری بیت‌المقدس شانس چندانی ندارند.

سده چهاردهم میلادی شاهد رهایی چین از نفوذ مغول، پایان یافتن امپراتوری مغول‌ها و آغاز سلسله مینگ بود که کشور را به نحوی بی‌سابقه یکپارچه و متحد ساخت. سقوط قسطنطنیه نشانه پایان امپراتوری بیزانس و اوج گرفتن امپراتوری عثمانی بود. سده شانزدهم میلادی، طلوع دورانی از اکتشاف‌ها و گسترش فرمانروایی فراقاره‌ای اروپاییان به‌ویژه اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها بود. برجسته‌ترین آن‌ها تسخیر مکزیک به دست ارنان کورتس بود. این سده همچنین شاهد تأسیس امپراتوری مغول هند بود که تأثیری دیرپا بر شبه‌قاره بر جای گذاشت، نیز شاهد پا گرفتن جنگی قبیله‌ای در ژاپن بود که گرچه در نهایت به یکپارچگی کشور انجامید، در طول ۲۵۰ سال آینده، آن را به جامعه‌ای جدا و بسته تبدیل کرد.

تأثیرگذارترین ستیزه‌جویی سده هفدهم میلادی، جنگ سی‌ساله، به صورت تلخ‌ترین تجربه اروپا رخ نمود که دامنه آن بیش‌تر قدرت‌های آن روز قاره را درگیر ساخت. برآیند آن سقوط امپراتوری مقدس روم^۱ بود و آغاز هویتی متمایز برای آلمان، گرچه هنوز مجموعه‌ای از ایالت‌ها به شمار می‌رفت. درست پس از یک سده، جنگ هفت‌ساله در اروپا روی داد که در آن پروس و بریتانیا، یکی پس از دیگری، در جایگاه قدرت‌های نظامی و استعماری تثبیت شدند. اما کم‌تر از پانزده سال بعد از آن، مستعمره‌های آمریکایی بریتانیا دست به شورش زدند که در پایان به استقلال آن‌ها و ایجاد کشور نوپای «ایالات متحده آمریکا» انجامید. در آخرهای این سده، اروپا بار دیگر به علت انقلابی دیگر در فرانسه، گرفتار آشوب شد. از درون این ناآرامی‌ها ناپلئون بناپارت ظهور کرد و به طرز بی‌سابقه‌ای اروپا را به زیر فرمانروایی خود درآورد. وقتی او سرانجام شکست خورد تأثیری عمیق بر این قاره بر جا گذاشته بود. جنگ‌های ناپلئون اروپا را فرسوده کرد، به‌ویژه اسپانیا را که از مدت‌ها پیش در سراسرایی قرار گرفته بود. دو مرد، سیمون بولیوار و خوسه سان مارتین، از این رویدادها به سود آزادی و تغییر نقشه آمریکای جنوبی بهره‌برداری کردند. چهل سال بعد، جنگ داخلی آمریکا روی داد که پی‌آیند آن «ایالات متحده آمریکا»ی جدید را پدید

1. Holy Roman Empire

آورد. به دنبال این رویداد، جنگ فرانسه و آلمان رخ داد که در نتیجه آن آلمان سرانجام به اتحاد دست یافت.

نبرد روسیه و ژاپن بر سر منچوری از نخستین رویارویی‌های سده بیستم میلادی به شمار می‌آید. شاخصه آن تبدیل ژاپن به یک کشور صنعتی امروزی و آغاز انحطاط و سقوط روسیه تزاری بود. جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸م به علت قتل‌عام و خونریزی‌هایش در مشرق‌زمین همواره به‌یادماندنی است، اما انقلاب روسیه را به جلو انداخت و به امپراتوری‌های آلمان، عثمانی و اتریش-مجارستان پایان داد. پیمان‌های صلح این جنگ، بذره‌های جنگ جهانی دوم را پاشیدند که در واقع جهانگیرتر از جنگ نخست بود. از ویژگی‌های عمده این جنگ نیز آن بود که پیش از آن هرگز شهروندان عادی تا این اندازه در خط مقدم آتش قرار نگرفته بودند. این تا حد زیادی به علت حمله‌های هوایی بود که مظهر تمام و کمال آن، دو بمب اتمی، جنگ با ژاپن را به پایان رساندند. با این همه، جنگ جهانی دوم وقتی به پایان رسید، دنیا را حتی در وضعیتی ناپایدارتر از زمانی که جنگ آغاز شده بود باقی گذاشت.

جنگ داخلی چین که به راه افتاد برای هیچ یک از دو طرف درگیر نتیجه قطعی نداشت، اما پیروزی مائوتسه تونگ در نهایت چین را به یک قدرت جهانی پیشرو مبدل ساخت. پیروزی کمونیسم همچنین یک وجه جنگ سرد به شمار می‌آمد که به مدت ۴۵ سال پس از سال ۱۹۴۵م، بر جهان سایه افکنده بود. گرچه نقطه کانونی جنگ سرد تقسیم آلمان بود، به شکل‌های بسیار بر تمامی جهان تأثیر گذاشت. در فضای رقابت بین کمونیسم و سرمایه‌داری، مسابقه سلاح‌های اتمی پدید آمد، هرچند در نهایت، تأثیرهای اقتصادی این رقابت موجب تسریع در سقوط اتحاد جماهیر شوروی گردید. کشاکش درازمدت هندوچین وجه دیگر جنگ سرد و نمونه دیگری از کوشش‌های غرب برای جلوگیری از گسترش کمونیسم بود که در این مورد به بار نشست. مظهر این کشاکش پایان یافتن امپراتوری فرانسه بود، و این‌که آمریکا را تا یک نسل بعد در بیم و تشویش قرار داد. تنش بی‌درنگ سال‌های پس از جنگ در خاورمیانه هم تأثیر گذاشت، و تشکیل دولت صهیونیستی به‌سرعت به انگیزش خشم عرب‌ها و خصومت آنان با یهودیان منجر شد. پیروزی ویران‌کننده دولت صهیونیستی بر همسایگان عربش در سال ۱۹۶۷م، تأثیری بس